

روم رؤیا را تثبیت می‌کند - شماره هشت

بنیان‌های شنی: رد حقیقت پیشگویانه در ادونتیسیم لائودکی

Jeff Pippenger

2024-08-18

در مقاله قبلی به سخنان زیر از عیسی اشاره کردیم.

از پیامبران دروغین برحذر باشید که با لباس میش نزد شما می‌آیند، اما در باطن گرگان درنده‌اند. ایشان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا از خار انگور می‌چینند یا از بوته‌های تیغ انجیر؟ همچنین هر درخت نیکو میوه نیکو می‌دهد، اما درخت فاسد میوه بد می‌آورد. درخت نیکو نمی‌تواند میوه بد بیاورد و درخت فاسد نیز نمی‌تواند میوه نیکو بیاورد. هر درختی که میوه نیکو ندهد بریده و در آتش افکنده می‌شود. پس از میوه‌هایشان ایشان را خواهید شناخت. نه هر که به من گوید: «خداوندا، خداوندا»، به ملکوت آسمان درخواهد آمد؛ بلکه آن که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد. در آن روز بسیاری به من خواهند گفت: «خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ و به نام تو شیاطین را بیرون نکردیم؟ و به نام تو کارهای شگفت‌انگیز بسیار انجام ندادیم؟» آنگاه به ایشان خواهم گفت: «هرگز شما را نشناختم؛ از من دور شوید ای بدکاران.» پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، او را به مردی خردمند مانند من می‌کنم که خانه‌اش را بر صخره بنا کرد؛ و باران فرو ریخت و سیلاب‌ها آمد و بادهای وزید و بر آن خانه تاخت، اما فرو نریخت، زیرا بنیادش بر صخره بود. و هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، به مردی نادان مانند خواهد شد که خانه‌اش را بر شن بنا کرد؛ و باران فرو ریخت و سیلاب‌ها آمد و بادهای وزید و بر آن خانه تاخت، و فرو ریخت؛ و خرابی آن عظیم بود. متی ۷:۱۵-۲۷.

شورش سال ۱۸۶۳ نشانگر آغاز بنا نهادن بنیانی دروغین بر شن از سوی ادونتیسیم روز هفتم لائودیکه‌ای است. شنی نمایانگر اصل شیطانی کثرت‌گرایی است، در برابر صخره حقیقت مطلق. حقیقت مطلق بر پایه دو شاهد استوار است، و حقایقی که بر دو نمودار مقدس حقوق به تصویر کشیده شده‌اند، که ادونتیسیم آن‌ها را به تدریج کنار گذاشته است، از کتاب مقدس اخذ شده و به وسیله روح نبوت تأیید شده‌اند. آن حقایق مطلق‌اند.

دشمن در پی آن است که ذهن‌های برادران و خواهران ما را از کار آماده‌ساختن قومی که در این روزهای آخر بایستند، منحرف کند. سفسطه‌های او چنان طرح شده‌اند که اذهان را از خطرات و وظایف این زمان دور سازند. آنان نوری را که مسیح از آسمان آمد تا برای قوم خویش به یوحنا عطا کند، ناچیز می‌انگارند. تعلیم می‌دهند که رویدادهای پیش روی ما آن قدر اهمیت ندارد که شایسته توجه ویژه باشد. حقیقت با منشأ آسمانی را بی‌اثر می‌کنند و قوم خدا را از تجربه گذشته‌شان محروم می‌سازند و به‌جای آن، علمی کاذب به آنان می‌دهند. «خداوند چنین می‌فرماید: در راه‌ها بایستید و بنگرید و برای راه‌های کهن بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن راه گام بردارید.» [ارمیا ۱۶:۶].

مگذارید هیچ‌کس در پی برکندن بنیادهای ایمان ما باشد—بنیادهایی که در آغاز کارمان، از طریق مطالعه دعاگونه کلام و به وسیله وحی نهاده شد. بر این بنیادها بیش از پنجاه سال است که بنا می‌کنیم. ممکن است کسانی بپندارند راهی نو یافته‌اند و می‌توانند بنیادی استوارتر از آنچه نهاده شده است بگذارند؛ اما این فریبی بزرگ است. «هیچ‌کس نمی‌تواند بنیادی جز آنچه نهاده شده است بگذارد.» [اول قرن‌تیان ۱۱:۳]. در گذشته، بسیاری کوشیدند ایمانی نو بنا کنند و اصولی تازه برقرار سازند؛ اما ساختمانشان چه مدت پابرجا ماند؟ دیری نپایید که فرو ریخت؛ زیرا بر صخره بنا نشده بود. شهادت‌ها، جلد ۸، ۲۹۶-۲۹۷.

وقتی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، باران‌های روح‌القدس نیز از راه رسیدند.

باران پسین بر قوم خدا خواهد بارید. فرشته‌ای نیرومند از آسمان فرود خواهد آمد، و سراسر زمین با جلال او روشن خواهد شد. ۲۱، Review and Herald، آوریل ۱۸۹۱.

وقتی ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک با یک اشاره از سوی خدا فرو ریختند، باران آخر نم‌م شروع به باریدن کرد. وقتی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، دروازه‌های سیل اصول پاپی گشوده شدند.

در این زمان غلبه شرارت، کلیساهای پروتستان که «چنین می‌گویند خداوند» را رد کرده‌اند، به مرحله‌ای عجیب خواهند رسید. آنان با دنیا هم‌رنگ خواهند شد. در جدایی‌شان از خدا، خواهند کوشید که دروغ و ارتداد از خدا را قانون کشور سازند. بر حاکمان سرزمین اثر خواهند گذاشت تا قوانینی وضع کنند که چیرگی از دست‌رفته مرد گناه را که در هیکل خدا می‌نشیند و خود را خدا می‌نمایاند، بازگردانند. اصول کاتولیک رومی تحت حمایت دولت قرار خواهند گرفت. اعتراض حقیقت کتاب مقدس دیگر از سوی کسانی که شریعت خدا را قانون زندگی خود نساخته‌اند تحمل نخواهد شد. ۲۱، Review and Herald، دسامبر ۱۸۹۷.

قانون پاتریوت نشانگر آغاز حمایت از اصول کاتولیک رومی است که به تدریج به قانون یکشنبه قریب‌الوقوع منتهی می‌شود. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، چهار باد که نمایانگر اسلام وای سوم‌اند، وزیدن را آغاز کردند.

فرشتگان چهار باد را مهار کرده‌اند؛ این چهار باد به صورت اسبی خشمگین به تصویر کشیده شده که در صدد است از بند رها شود و بر سراسر چهره زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.

«آیا ما درست بر آستانه جهان جاودانی به خواب خواهیم رفت؟ آیا کُند و سرد و مرده خواهیم بود؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود، تا بر پای‌های خویش بایستند و حیات یابند. ما نیاز داریم دریابیم که راه تنگ است و دروازه باریک. اما چون از این دروازه تنگ بگذریم، فراخی آن بی‌حد و مرز است.» Manuscript Releases، جلد ۲۰، ۲۱۷.

باران، باد و سیل در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکی آزموده شد. همان‌گونه که یهودیان در تعمید مسیح آزموده شدند و همان‌گونه که پروتستان‌ها از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آزموده شدند. از آن مقطع تا پیشگویی یاغیان ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، خانه ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکی به تدریج فرو ریخت، همان‌قدر مسلم که معبد یهودیان پیش از صلیب متروک خوانده شد، و همان‌گونه که پروتستان‌ها در ناامیدی نخستین ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ به پروتستان‌یسم مرتد گذر کردند.

جنبش لاودیکیایی فرشته سوم سپس وارد فرایند آزمایش نهایی خود شد، و همانند آزمایشی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، دوشیزگان فراخوانده شدند تا به راه‌های دیرین بازگردند؛ راه‌هایی که نه تنها حقایق بنیادین جنبش میلری فرشته اول و دوم، بلکه همچنین حقایق بنیادین جنبش فرشته سوم را تشکیل می‌دادند.

نماد رد آن حقایق بنیادین در زمینه فریب نیرومند، همان پیامی است که پولس در رساله دوم به تسالونیکیان ثبت کرد. نماد آن پیام در کتاب دانیال «دائمی» است، زیرا در بخش تسالونیکیان بود که ویلیام میلر دریافت که «دائمی» در کتاب دانیال نمایانگر روم بت‌پرست است.

کتاب‌هایی نوشته شده‌اند که به تعریف "دائمی" در کتاب دانیال پرداخته‌اند. بیشترشان نادرست‌اند، هرچند اگر بخواهید مقاله‌ای از یک الهی‌دان ادونتیست را که آن را به درستی توضیح می‌دهد مرور کنید، می‌توانید مقاله The Mystery of the Daily نوشته John W. Peters را بیابید. قصد ندارم در این

مقاله به آن بُعد از "دائمی" بپردازم. کتاب‌های دیگری نیز هستند که به تاریخچه این می‌پردازند که چه کسانی، چه چیزی و چرا باعث شدند دیدگاه نادرست درباره "دائمی" در نهایت درون ادونتیسیم روز هفتم لاودیکایی تثبیت شود.

تعریف واژه عبری ترجمه شده به «daily» «daily» و تاریخ شورش علیه حقیقت بنیادی «daily» «daily» که از سال ۱۹۰۱ به طور جدی آغاز شد، بارها در جداول حقوق و نیز در مقالات اخیر درباره کتاب دانیال تبیین شده است.

من قصد دارم در این مقاله، تمرکز بحث درباره «daily» «daily» را بر ویژگی‌های نبوی مرتبط با رد شدن نماد روم حفظ کنم. هر کسی که واقعاً مرجعیت نوشته‌های الن وایت را می‌پذیرد، کافی است مطالب زیر را بخواند تا بداند برداشت درست از «daily» «daily» چیست.

«سپس دیدم که در ارتباط با «دائمی»، واژه «قربانی» به واسطه خرد انسانی افزوده شده و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت داوری را سر دادند. زمانی که اتحاد وجود داشت، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه درباره دیدگاه درست «دائمی» هم‌نظر بودند؛ اما از ۱۸۴۴ به بعد، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده و تاریکی و سردرگمی در پی آمده است.» ریویو و هرالده، ۱ نوامبر ۱۸۵۰.

رد کردن برداشت ویلیام میلر از «daily» «daily» هم‌زمان به معنای رد کردن مرجعیت نوشته‌های الن وایت است، زیرا او دید «که خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی بخشید که فریاد ساعت داوری را سردادند.» همچنین به او نشان داده شد که دیدگاه‌های دیگر درباره «daily» «daily» تاریکی و سردرگمی به بار می‌آوردند، که از اوصاف مسیح نیستند. میلر هنگام مطالعه رساله دوم به تسالونیکیان، «daily» «daily» را روم بت‌پرست دانست.

من به خواندن ادامه دادم و نتوانستم مورد دیگری بیابم که در آن «هرروزه» یافت شود، جز در دانیال. سپس [به یاری یک فهرست‌واژه] آن کلماتی را که با آن پیوند داشتند برداشتم: «برداشتن؛» «او آن هرروزه را بخواهد داشت؛» «از زمانی که آن هرروزه برداشته شود»، و غیره. به خواندن ادامه دادم و پنداشتم که نوری بر این متن نخواهم یافت؛ سرانجام به دوم تسالونیکیان ۷:۲، ۸ رسیدم: «زیرا راز بی‌قانونی هم‌اکنون در کار است؛ فقط آن که اکنون مانع می‌شود، مانع خواهد شد تا وقتی که از سر راه برداشته شود، و آنگاه آن شریر مکشوف خواهد شد»، و غیره. و چون به آن متن رسیدم، آه، حقیقت چه روشن و پر جلال آشکار شد! همان است! این همان «هرروزه» است! خب، اکنون پولس از «آن که اکنون مانع می‌شود»، یا بازدارنده، چه منظوری دارد؟ منظور از «مرد گناه» و «آن شریر»، پاپیسم است. خب، چه چیزی مانع می‌شود که پاپیسم مکشوف شود؟ البته بت‌پرستی است؛ پس «هرروزه» باید به معنای بت‌پرستی باشد. — ویلیام میلر، راهنمای ظهور دوم، صفحه ۶۶. ۶. Advent Review and Sabbath Herald، ژانویه ۱۸۵۳.

سرانجام، ادونتیسیم لاودیکه‌ای برداشت درست را که به میلر و کسانی که ندای ساعت داوری را اعلام کردند اعطا شده بود، کنار گذاشت و به جای آن، اندیشه نادرست پروتستانتیسم مرتد را پذیرفت که «روزانه» را نمایانگر خدمت مسیح در مقدس‌گاه می‌دانست. آن برداشت از بسیاری جهات پوچ است، اما فراتر از باطل بودن، ادعا می‌کند که یک نماد شیطانی نماد مسیح است.

«از این رو، هرچند اژدها در وهله نخست نمایانگر شیطان است، در معنای ثانوی نماد روم بت‌پرست است.» مناقشه عظیم، ۴۳۹.

میلر «دائمی» را روم بت‌پرست، یعنی اژدها، شناسایی کرد، اما ادونتیسیم لاودیکایی این اندیشه را از پروتستانتیسم سقوط یافته گرفت که آن نمایانگر خدمت مسیح در قدس آسمانی است. رد شناسایی

میلر از «دائمی» به عنوان روم بت پرست، به معنای ردِ حقیقتی است که بر هر دو نمودار مقدسی که تحقق باب دوم حقوق بودند، منعکس شده بود. بنابراین، این رد، رد یک حقیقت بنیادین است؛ همان گونه که رد «هفت زمان» باب بیست و شش لایوان چنین بود.

رد کردن حقیقت اینکه «daily» daily نمایانگر روم بت پرست است، به معنای رد کردن بنیان های ادونتیسیم و مرجعیت روح نبوت است. شناسایی نمادی از شیطان به عنوان نمادی از مسیح، در حکم شناسایی کار مسیح به عنوان کار شیطان است.

یهودیان با رد کردن مسیح، گناه نابخشودنی را مرتکب شدند؛ و ما نیز با رد کردن دعوت رحمت، ممکن است همان خطا را مرتکب شویم. ما به سرور حیات اهانت می کنیم و او را در برابر کنیسه شیطان و در برابر جهان آسمانی شرمسار می سازیم، هنگامی که از شنیدن پیام آوران مآذون او سر باز می زنیم و به جای آن به عوامل شیطان گوش می دهیم، که می کوشند جان را از مسیح دور کنند. تا زمانی که کسی چنین کند، هیچ امید یا آمرزشی نمی یابد، و سرانجام همه اشتیاق خود را برای آشتی با خدا از دست خواهد داد. آرزوهای اعصار، ۳۲۴.

وقتی ادونتیسیم لاودیکایی فهم بنیادین «روزانه» و «هفت زمان» را رد کرد، نه تنها مرجعیت روح نبوت و آن بنیان ها را رد کرد، بلکه کار ویلیام میلر را نیز رد کرد؛ کسی که به وسیله فرشته جبرئیل و دیگر فرشتگان به برداشت های خود هدایت شده بود.

«خدا فرشته خود را فرستاد تا بر دل کشاورزی که به کتاب مقدس ایمان نداشت اثر بگذارد، تا او را برانگیزد که نبوت ها را جست و جو کند. فرشتگان خدا بارها و بارها به دیدار آن برگزیده آمدند تا ذهن او را هدایت کنند و نبوت هایی را که همواره برای قوم خدا تاریک بود بر فهم او بگشایند. آغاز زنجیره حقیقت به او داده شد، و او رهنمون شد تا حلقه به حلقه در پی آن بگردد، تا آن که با شگفتی و تحسین به کلام خدا نگریست. او در آنجا زنجیره ای کامل از حقیقت دید. همان کلامی که آن را بی الهام می پنداشت، اکنون در جمال و جلالش در برابر دیدگانش گشوده شد. دید که بخشی از کتاب مقدس بخش دیگر را توضیح می دهد، و هرگاه عبارتی بر فهمش بسته بود، در بخش دیگری از کلام آنچه آن را توضیح می داد می یافت. او به کلام مقدس خدا با شادی و با عمیق ترین احترام و هیبت می نگریست.» نوشته های نخستین، ۲۳۰.

«فرشته او» عبارتی است که به فرشته جبرئیل اشاره دارد.

سخنان فرشته، «من جبرائیل که در حضور خدا می ایستم»، نشان می دهد که او در دربارهای آسمانی از شأن و مقامی بس والا برخوردار است. وقتی با پیغامی نزد دانیال آمد، گفت: «در این امور هیچ کس مرا یاری نمی کند جز میکائیل [مسیح]، سردار شما.» دانیال 10:21. درباره جبرائیل، نجات دهنده در مکاشفه سخن می گوید و می فرماید که «آن را به واسطه فرشته خود نزد بنده اش یوحنا فرستاد و آن را اعلام نمود.» مکاشفه 1:1. اشتیاق اعصار، 99.

شناسایی یک نماد شیطانی به عنوان نماد مسیح، نه تنها با گناه نابخشودنی موازی است، بلکه خود گناه نابخشودنی نیز با رد فرستادگانی که مسیح می فرستد پیوند دارد. در نتیجه «daily» daily به نماد گناه نابخشودنی بدل می شود، و وقتی فهمیده شود که «برگزیده»، ویلیام میلر، به درک درست آن حقیقت هدایت شد، و آن حقیقت پس از آن رد شد، این امر به طور مستقیم با رساله دوم به تسالونیکیان سازگار است؛ همان بخشی از کتاب مقدس که میلر همان جا به کشف خود دست یافت. رد کردن آن حقیقت، نشانه دوست نداشتن حقیقت است، و آن عصیان به برداشته شدن روح القدس و سپردن انسان به روح ناپاک شیطان می انجامد؛ چیزی که پولس آن را «گمراهی نیرومند» می نامد.

همان‌گونه که «غارتگران قوم تو» که «رویا را تحقق می‌بخشند» نمادی از روم بت‌پرستانند، «روزانه» نیز نمادی از روم بت‌پرست است. در سیاق دوم تسالونیکیان، پولس تعلیم می‌دهد که رد کردن پیام فصل دوم نشانه آن است که کسانی که چنین می‌کنند، حقیقت را دوست ندارند. زیرا چون حقیقت بیان‌شده در آن فصل را دوست نمی‌دارند، دچار گمراهی شدید می‌شوند.

همه پیامبران به ایام آخر می‌پردازند، و فقرات الهامی پیشین در این مقاله نشان می‌دهند که گمراهی شدید در هنگام ریزش روح‌القدس دامنگیر کسانی می‌شود که حقیقت را دوست ندارند. یک گروه روغن را دریافت می‌کند و گروه دیگر دچار گمراهی شدید می‌شود.

روح‌القدس در همان دوره‌ای از تاریخ افاضه می‌شود که هم‌زمان از کسانی که افزایش معرفتی را که در طول دو دوره‌ی آزمایشی دوران مهر شدن، از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه‌ی قریب‌الوقوع گشوده می‌شود، رد می‌کنند، برداشته می‌شود. تکرار بخشی پیشین:

«با نگاهی به روزهای آخر، همان قدرت بی‌پایان درباره‌ی کسانی که "محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند"، چنین اعلام می‌کند: "از این جهت خدا برایشان گمراهی‌ای شدید خواهد فرستاد تا دروغی را باور کنند، تا همه آنان که به حقیقت ایمان نیاوردند، بلکه در ناراستی خوشنود بودند، محکوم شوند." و چون تعالیم کلام او را رد می‌کنند، خدا روح خود را بازمی‌گیرد و آنان را به فریب‌هایی که دوست دارند وا می‌گذارد.» نوشته‌های نخستین، ۴۶.

سطر بر سطر، دانیال تعلیم می‌دهد که در روزهای آخر، این راهزنان قوم تو هستند (نمادی از روم) که رویا را تثبیت می‌کنند. راهزنان همچنین به‌عنوان «امر دائمی» معرفی می‌شوند. سلیمان تعلیم می‌دهد که در روزهای آخر کسانی که رویا ندارند هلاک می‌شوند، که یعنی برهنه بودن. برهنه شدن یعنی لائودیکیه‌ای بودن، و لائودیکیه‌ای یک باکره نادان است.

"وضعیت کلیسا که با دوشیزگان نادان نشان داده شده، همچنین از آن با عنوان وضعیت لائودیکیه‌ای یاد می‌شود." ۱۹، Review and Herald، اوت ۱۸۹۰.

این‌که با رسیدن پیام فریاد نیمه‌شب، باکره‌ای نادان باشی، یعنی آنچه یوحنا در مکاشفه، فصل شانزدهم، به‌عنوان «نگ عریانی تو» ثبت کرده است، نمایان شود. هشدار یوحنا در بلای ششم مربوط به اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب است که از سال ۱۹۸۹ در روند سوق دادن جهان به سوی آرماگدون قرار دارند.

پیام پولس در دوم تسالونیکیان صرفاً درباره‌ی این نیست که روم مشرک به‌وسیله‌ی دانیال به‌عنوان «قربانی دائمی» معرفی شده است، بلکه این فصل بر رابطه‌ی روم مشرک با روم پاپی تأکید می‌کند. روم مشرک مانع می‌شد (بازمی‌دارد) که «مرد گناه» در سال ۵۳۸ بر تخت جهان بنشیند. هنگامی که روم مشرک از میان برداشته شد، آنگاه «راز بی‌قانونی»، «آن شریر» که همان پاپ روم است، آشکار می‌شود. در این فصل پولس یک رابطه‌ی نبوتی مشخص میان روم مشرک و روم پاپی را شناسایی می‌کند. رد کردن تعلیم این فصل به معنای رد کردن حقیقت و دریافت گمراهی نیرومند است.

هیچ‌کس شما را به هیچ‌وجه نفریبد، زیرا آن روز نخواهد آمد، مگر اینکه نخست ارتدادی رخ دهد و آن مرد گناه، پسر هلاکت، آشکار شود؛ او که با هرآنچه خدا نامیده می‌شود یا مورد پرستش است مخالفت می‌کند و خود را فراتر می‌افزارد، تا آنجا که در معبد خدا چون خدا می‌نشیند و خود را خدا می‌نمایاند. آیا به یاد نمی‌آورید که وقتی هنوز نزد شما بودم، این امور را به شما می‌گفتم؟ و اکنون می‌دانید چه چیزی مانع است تا او در وقت خود آشکار شود. زیرا راز بی‌قانونی هم‌اکنون در کار است؛ تنها آن کس که اکنون بازمی‌دارد، بازخواهد داشت تا از میان برداشته شود. و آنگاه آن شریر آشکار خواهد شد که خداوند او را با دم دهان خویش از میان خواهد برد و با جلال آمدنش

نابود خواهد ساخت؛ همان که آمدنش مطابق کار شیطان است، با هر قدرت و آیت و عجایب دروغین، و با هرگونه فریبندگی ناراستی در کسانی که هلاک می‌شوند، زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند. و به همین سبب خدا بر ایشان گمراهی نیرومندی می‌فرستد تا دروغ را باور کنند، تا همه محکوم شوند، آنان که حقیقت را باور نکردند بلکه در ناراستی خوشی یافتند. دوم تسالونیکیان ۳: ۲-۱۲.

چرا این مردم روزهای آخر «محکوم به هلاکت» هستند؟ چرا برایشان «گمراهی قوی» فرستاده می‌شود؟ چرا «هلاک می‌شوند» و بدین‌سان ننگ برهنگی خود را آشکار می‌کنند؟ این بخش بیان می‌کند که علتش این است که آنان حقیقت را دوست نمی‌دارند، و حقیقتی که در این فصل بیان شده نشان می‌دهد که روم بت‌پرست، چهارمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس، تا وقتی که بت‌پرستی برچیده نشده بود، مانع از بر تخت نشستن روم پاپی، پنجمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس، می‌شد.

رابطه میان روم بت‌پرست و روم پاپی که در این فصل مشخص شده، نزد یوحنا در رابطه میان کلیسای پرگاموم و کلیسای تیاتیره نیز دیده می‌شود. پرگاموم با روم بت‌پرست همسو است و تیاتیره نماینده روم پاپی است. پولس و یوحنا دو شاهد رابطه این دو قدرت را ارائه می‌کنند؛ کتاب دانیال نیز چنین می‌کند.

در کتاب دانیال، رابطه روم بت‌پرست با روم پاپی بارها بیان شده است. در باب دوم دانیال، این رابطه با آمیختگی آهن با گل لجن‌آلود نمایانده می‌شود. در باب هفتم دانیال، هم روم بت‌پرست و هم روم پاپی «سلطنت‌های متفاوت» اند؛ و هرچند باب دوم این دو قدرت را به صورت آمیختگی تصویر می‌کند، باب هفتم مشخص می‌سازد که قدرت پاپی از سلطنت ده‌شاخه روم بت‌پرست برمی‌خیزد. در باب هشتم دانیال، شاخ کوچک آیات ۹ تا ۱۲، در هر دو مرحله‌اش روم است. در آیات ۹ و ۱۱، شاخ کوچک به صورت مذکور آمده است و بدین‌سان روم بت‌پرست را مشخص می‌کند؛ و در آیات ۱۰ و ۱۲، شاخ کوچک به صورت مؤنث آمده است و بدین‌سان روم پاپی را مشخص می‌کند.

در دانیال باب هشت، آیه سیزده، روم بت‌پرست و روم پاپی به‌عنوان دو قدرت ویرانگر به تصویر کشیده شده‌اند. روم بت‌پرست، قدرت ویرانگر «دائمی» است و روم پاپی، قدرت ویرانگر سرکشی. در باب یازده، آیه سی‌ویک، قدرت ویرانگر «دائمی» روم بت‌پرست، قدرت ویرانگر رجس را که همان قدرت پاپی است، برپا می‌کند. در باب دوازده، آیه یازده، قدرت ویرانگر «دائمی» روم بت‌پرست برداشته می‌شود تا قدرت ویرانگر رجس پاپی برپا شود.

رابطه دو قدرت ویرانگر روم از موضوعات اصلی کتاب‌های دانیال و مکاشفه است، و پولس همان رابطه را به‌عنوان حقیقتی معرفی می‌کند که اگر کسی بخواهد از گمراهی نیرومندی که با باور کردن دروغ پدید می‌آید دوری کند، باید آن را دوست پدارد. خدا هرگز بیهوده تکرار نمی‌کند، و هر بازنمایی از رابطه روم بت‌پرست با روم پاپی، شهادت ویژه خود را درباره این موضوع ارائه می‌کند؛ اما رد کردن نماد روم در روزهای آخر، به معنای رد کردن باران پسین و دریافت گمراهی نیرومند به جای آن است. این یعنی برای همیشه به‌عنوان یک لاودیکپایی عربان شناخته شدن.

مورخان ادونتیس لاودیکپایی، گرچه برای نقش و کار ویلیام میلر حرمت مقدسی قائل نیستند، اذعان دارند که شناخت او از رابطه روم بت‌پرست و روم پاپی همان چارچوب نبوی‌ای بود که بر آن «تمام» تطبیق‌های نبوی خود را بنا نهاد. جبرئیل و دیگر فرشتگان میلر را هدایت کردند تا رابطه روم بت‌پرست و روم پاپی را درک کند، اما او در تاریخ‌نگاری‌اش، روم را موجودیتی سه‌گانه متشکل از اژدها، وحش و نبی کاذب نمی‌دید.

در زمان او، ایالات متحده هنوز نقش نبی کاذب را آغاز نکرده بود، زیرا پروتستان‌های ایالات متحده تا سال ۱۸۸۴ به دختران روم تبدیل نشده بودند، و کار بنیادین میلر نیز پیش‌تر بر روی نمودار ۱۸۴۳ که در ماه مه ۱۸۴۲ تهیه شده بود، درج شده بود.

در سال ۱۹۸۹ آخرین شش آیه باب یازدهم دانیال گشوده شد، و فرستاده آن دوره تشخیص داد که سه قدرت وجود دارند که فعالیت‌های نبوی‌شان از آیات چهل تا چهل‌وپنج باب یازدهم امتداد می‌یابد. پادشاه جنوب در آیه چهل همان قدرت اژدهاست، و پادشاه شمال قدرت پاپی است که در آغاز آیه، در سال ۱۷۹۸، به دست قدرت اژدهای فرانسه ناپلئونی زخم مرگبار خود را دریافت کرده بود. در همان آیه، قدرت پاپی کار التیام زخم مرگبارش را آغاز می‌کند. در سال ۱۹۸۹ پادشاه شمال علیه قدرت اژدهای اتحاد جماهیر شوروی—که در آن زمان پادشاه جنوب شده بود—تلافی می‌کند. هنگامی که حیوان کاتولیسیم علیه اتحاد شوروی تلافی کرد، با ارتش نیابتی ایالات متحده آمد؛ همان نبی کاذب باب شانزدهم مکاشفه. قدرت اژدها به عنوان پادشاه جنوب، قدرت حیوان به عنوان پادشاه شمال، و نبی کاذب ارابه‌ها و سواران و کشتی‌ها همگی در آیه چهل ترسیم شده‌اند، و این خط نبوی در آیه چهل‌وپنج پایان می‌یابد، آنگاه که قدرت پاپی «به پایان می‌رسد و هیچ‌کس او را یاری نمی‌کند».

هرمجدون، در مکاشفه باب شانزدهم، منطقه‌ای جغرافیایی نمادین است که بیانگر شورش بشر پیش از بازگشت مسیح است. واژه «هرمجدون» نمادین است و از دو واژه تشکیل شده است: «Har» به معنای کوه، و «Megiddo» که همان دره یزرعیل است. این واقعیت که یوحنا کوه را با «Megiddo» ترکیب کرده است، در حالی که «Megiddo» یک دره است، به دانش‌پژوه نبوت می‌فهماند که هرمجدون نمادی است که حاوی اشاره‌ای جغرافیایی است، زیرا در دره یزرعیل هیچ کوهی وجود ندارد.

دشت یزرعیل میان سه دریا (دریای مدیترانه، دریای جلیل و دریای مرده) و اورشلیم واقع شده است. این دشت در شمال اسرائیل نسبتاً مرکزی است و این سه پهنه آبی و اورشلیم در جهات مختلف پیرامون آن قرار دارند. آیه چهل‌وپنج باب یازدهم دانیال جایی است که پادشاه شمال به پایان خود می‌رسد و هیچ‌کس یاری‌اش نمی‌کند، و این آیه پایان جغرافیایی او را میان دریاها و کوه مقدس و پرچال اورشلیم معرفی می‌کند. آیه چهل باب یازدهم دانیال سه قدرت را معرفی می‌کند که موضوع شفای زخم کشنده قدرت پاپی و سرانجام نهایی آن هستند.

عبارت نخست این آیات زمان پایان را در سال ۱۷۹۸ مشخص می‌کند؛ زمانی که نهاد پاپی زخم مرگبار خود را دریافت کرد، و آیه چهل‌وپنج زخم مرگبار دائمی آن را مشخص می‌کند. تاریخ پیشگویی شده میان نخستین و آخرین مرگ قدرت پاپی، شورش بشریت را آشکار می‌کند؛ آن‌گاه که آنان سلطه قدرت پاپی را بازمی‌گردانند، زمانی که زخم مرگبار آن پیش از نابودی نهایی قدرت پاپی التیام می‌یابد. این شش آیه مهر حقیقت را بر خود دارند، زیرا آغاز و پایان هر دو مرگ قدرت پاپی است و آیات میانی بیانگر شورش بشریت‌اند، همان‌گاه که نخستین زخم مرگبار التیام می‌یابد.

میلر از فرشتگان آسمانی درباره رابطه روم بت‌پرست و روم پاپی نوری دریافت کرد. کلید فهم میلر از الگوی نبوی، که آن را در همه تطبیقات نبوی‌اش به کار می‌برد، «daily» daily در تسالونیکیان دوم بود. «daily» daily در آن فصل روم بت‌پرست است، همان چیزی که رؤیایی را که ویلیام میلر به فهم آن رسید برقرار کرد؛ زیرا این روم است، «غارترگران قوم تو» در آیه چهارده فصل یازدهم، که رؤیا را برقرار می‌کند.

فرستاده‌ای که برای درک افزایش دانش در سال ۱۹۸۹ برخیزانده شد، به ماهیت سه‌گانه روم پی برد. میلر فرستاده فرشتگان اول و دوم بود و برای استوار ساختن بینشی که به جهان ارائه کرد، نخستین و دومین ظهور روم را درک کرد. فرستاده فرشته سوم برای استوار ساختن بینشی که مأمور بود به

جهان اعلام کند، هر سه ظهور روم را درک کرد.

نخستین ظهور روم، روم بت‌پرست بود. از دل روم بت‌پرست، روم پاپی، دومین ظهور، پدید آمد. از آن دو ظهور نخست، روم جدید پدید آمد: اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب.

ما در مقاله بعدی، سیر مناقشه «روزانه» در تاریخ ادونت را پی خواهیم گرفت.

کسی که فراتر از ظاهر را می‌بیند و دل‌های همه آدمیان را می‌خواند، درباره آنان که از نوری عظیم بهره‌مند شده‌اند، چنین می‌گوید: «آنها به سبب وضعیت اخلاقی و روحانی خویش اندوهگین و حیران نمی‌شوند. آری، ایشان راه‌های خویش را برگزیده‌اند و جانشان در رجاساتشان لذت می‌یابد. من نیز فریب‌های ایشان را اختیار خواهم کرد و ترس‌هایشان را بر آنان خواهم آورد، زیرا چون خواندم، هیچ‌کس پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه در نظر من بدی کردند و آنچه مورد خشنودی من نبود برگزیدند.» «خدا بر ایشان گمراهی نیرومند خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند»، زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند، «بلکه در ناراستی لذت بردند.» اشعیا ۳:۶۶؛ ۴؛ دوم تسالونیکیان ۱:۱۱، ۱۰، ۱۲.

معلم آسمانی پرسید: «کدام گمراهی نیرومندتر می‌تواند ذهن را بفریبد از این تظاهر که شما بر بنیاد درست بنا می‌کنید و خدا اعمال شما را می‌پذیرد، حال آنکه در حقیقت بسیاری امور را بر وفق سیاست دنیوی پیش می‌برید و در برابر بیهوش‌کننده می‌کنید؟ آه، این فریبی بزرگ است، گمراهی‌ای فریبا که بر اذهان چیره می‌شود، آنگاه که مردمانی که زمانی حقیقت را شناخته‌اند، صورت دینداری را به جای روح و قدرت آن می‌گیرند؛ آنگاه که می‌پندارند ثروتمند و در دارایی فزون شده‌اند و به هیچ چیز نیاز ندارند، حال آنکه در واقع به همه چیز نیازمندند.»

خدا نسبت به بندگان وفادارش که جامه‌های خود را پاک و بی‌لکه نگاه می‌دارند، تغییر نکرده است. اما بسیاری فریاد می‌زنند: «سلامتی و امنیت»، در حالی که هلاکت ناگهانی بر آنان فرود می‌آید. مگر آنکه توبه‌ای کامل صورت گیرد، مگر آنکه انسان‌ها با اعتراف، دل‌های خود را فروتن سازند و حقیقت را همان‌گونه که در عیسی است بپذیرند، هرگز وارد آسمان نخواهند شد. هنگامی که پاک‌سازی در صفوف ما صورت گیرد، دیگر آسوده نخواهیم نشست و به ثروتمندی و فزونی دارایی‌ها فخر نخواهیم کرد، گویی به هیچ چیز نیاز نداریم.

"چه کسی می‌تواند به‌راستی بگوید: 'طلای ما در آتش آزموده شده است؛ جامه‌های ما به‌وسیله دنیا لکه‌دار نشده است'؟ من دیدم که معلم ما به جامه‌های به‌اصطلاح راستکاری اشاره می‌کرد. با برکندن آنها، پلیدی زیرشان را آشکار ساخت. سپس به من گفت: 'آیا نمی‌بینی چگونه به‌ریا پلیدی و پوشیدگی منش خود را پوشانده‌اند؟' چگونه شهر امین فاحشه شده است!" خانه پدرم به خانه تجارت بدل شده است، جایی که از آن حضور و جلال الهی رخت بریسته است! از این رو سستی هست و قوتی در میان نیست." شهادت‌ها، جلد ۸، 249، 250.